

گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

یکشنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / ۳۱۹۵ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

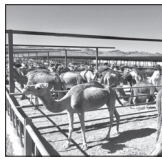
تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گرگان، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تلفن: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹ تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

شترداری بومی؛ راهکار احیای مراتع و کاهش ریزگردها



۲

بیابان زدایی «یادداشت»



۳

شروع پادشاهی اسبها



۳

یادداشت اول

زبان مناجات

■ احسان مکتبی

دعا همیشه زبان حال انسان است. انسان ها دعا می کنند و روح خود را تسکین میدهند و از دادر یگانه تسلا می خواهند اما کیفیت دعا و خواسته ها از درگاه خداوند نشانگر کیفیت دردها و نیازهای انسانی است. انسانها خود را در شیون ها، فریادها و در کلماتشان معنا می کنند، به این خاطر دعاهای انسانها با یکدیگر متفاوت است. نگاهی به متون ادب فارسی که منبع بسیاری از حکمت ها و معرفت هاست به ما نشان می دهد که ایرانیان با خداوند متعال چگونه سخن می گفتند و چه در خواست هایی از خداوند داشتند. مثلا شاهنامه حکیم توس همواره برای پهلوانان و دلوران ایران زمین خردمندی، دادگری، بیدار دلی و روشن روایی را از درگاه الهی درخواست کرده است و در ابیات متعدد آن را تکرار کرده است:

چنین داد پاسخ بدو پهلوان
که بیدار دل باش و روشن روان
و یا
چنین گفت با دیده بان پهلوان
که بیدار دل باش و روشن روان
و یا
سپاه آفرین خواند بر پهلوان
که بیدار دل باش و روشن روان و...
که نشانگر آن است که دعا که اندیشه
ایرانی با آنچه این روزها بر زبانها می چرخد
متفاوت بوده است و جناب فردوسی بر
ایرانیان خردمندی، روشن روایی و بیدار
دلی را از خداوند طلب می کرده است و یا
استاد سخن حضرت سعلی چنین به درگاه
خدا استغاثه می کند که:

خدایا به عزت که خوادم مکن
به دل گنه شرمسارم مکن
مسلط مکن چون منی بر سرم
ز دست تو به گر عقوبت برم
مرا شرمساری ز روی تو بس
دگر شرمسارم مکن پیش کس
یا جناب مولانا چنین با خداوند مناجات
می کند که:
صد هزاران دام و دانه است ای خدا
ما چو مرغان خریص بی نوا
دم به دم ما بسته دام نوبم
هر یکی گر باز و سبعرغی شویم
می رهانی هر دمی ما را و باز
سوی دمی می روی ای بی نیاز
گر هزاران دام باشد در قدم
چون تو با مایی نباشد هیچ غم
اینها نمونه هایی از معرفتی است که در متون
ادب فارسی نهفته است و به ما کیفیت زندگی
و درک انسانها از روزگار را نشان می دهد و
نشانگر آنکه ارتقا نوع انسان و اصلاح نگاه انسان
به زندگی باید از درخواست های ما از دادر یگانه
باشد. روزهای محرم بهانه ای است تا کمی به
خود بیندیشیم و با مرور آنچه بر ما گذشته است
نگاهمان به هستی و زندگی را اصلاح کنیم.

صاحب امتیاز



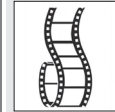
گل مژه: از درمان های ساده تا خطاهای خطرناک

« ۸ »



آشنایی با علائم فرسودگی ذهنی و تکنیک های مقابله با آن

« ۷ »



خرگوش سیاه، خرگوش سفید «سینما»

« ۴ »



انتظار تلخ گندمکاران

رسیده است. در چنین شرایطی، تأخیر در پرداخت مطالبات تنها یک ناهماهنگی اداری نیست؛ بلکه می تواند معیشت یک خانواده روستایی را با چالش جدی رویه رو کند. آنچه بیش از همه نگران کننده است، تکرار بی پایان این مشکل است. زمان برداشت، میزان تولید و حجم خرید تضمینی هر سال تا حد زیادی قابل پیش بینی است. با این حال، همچنان این پرسش مطرح است که چرا منابع مالی لازم برای پرداخت به موقع مطالبات از پیش تأمین نمی شود و چرا مسئله ای که سالهاست شناخته شده، هنوز راهکاری پایدار پیدا نکرده است. نخستین پیامد این تاخیرها، کاهش اعتماد تولیدکنندگان است.

ادامه در صفحه ۲

بلکه بهای محصولی است که دولت آن را خریداری کرده است. مساله دقیقا از همین نقطه آغاز می شود؛ فاصله میان اهمیت راهبردی گندم در سخنان مسئولان و واقعیت زندگی تولیدکنندگان آن. از یک سو، گندم ستون امنیت غذایی کشور معرفی می شود و از سوی دیگر، تولیدکننده این محصول برای دریافت مطالبات خود باید هفته ها و گاه ماهها منتظر بماند. این تناقضی است که کشاورزان سالهاست با آن دست و پنجه نرم می کنند. گندمکار امروز زیر بار سنگین هزینه های تولید قرار دارد. افزایش قیمت بذر، کود، سم، سوخت، قطعات ماشین آلات و دستمزد کارگران، هزینه کشت را به شکل محسوسی بالا برده است. بسیاری از کشاورزان برای تأمین این هزینه ها ناچار به دریافت تسهیلات بانکی شده اند و اکنون موعد بازپرداخت اقساط آنها فرا

مهران قجری- فصل برداشت گندم برای کشاورزان باید زمان به ثمر نشستن یک سال تلاش، امید و سرمایه گذاری باشد؛ اما سالهاست که این فصل به دوره ای از انتظار و نگرانی تبدیل شده است. تأخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران دیگر یک اتفاق مقطعی نیست، بلکه به روایتی تکراری بدل شده که هر سال با همان وعده ها و گلاویه ها تکرار می شود. امسال نیز این چرخه ادامه دارد. تا زمان نگارش این یادداشت، اگرچه مسئولان از پرداخت حدود ۴۰ درصد مطالبات گندمکاران گلستانی، معادل بیش از سه هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان خبر می دهند، اما بخش قابل توجهی از کشاورزان همچنان در انتظار دریافت باقی مانده پول محصولی هستند که هفته ها پیش تحویل داده اند. پولی که نه کمک دولتی است و نه امتیازی ویژه؛

همکار گرامی جناب رضا ولی پور

ضایعه درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت می گوئیم. از درگاه الهی برای آن سفر کرده آرامش و برای شما و خانواده محترم صبر مسالت داریم.

روزنامه گلشن مهر



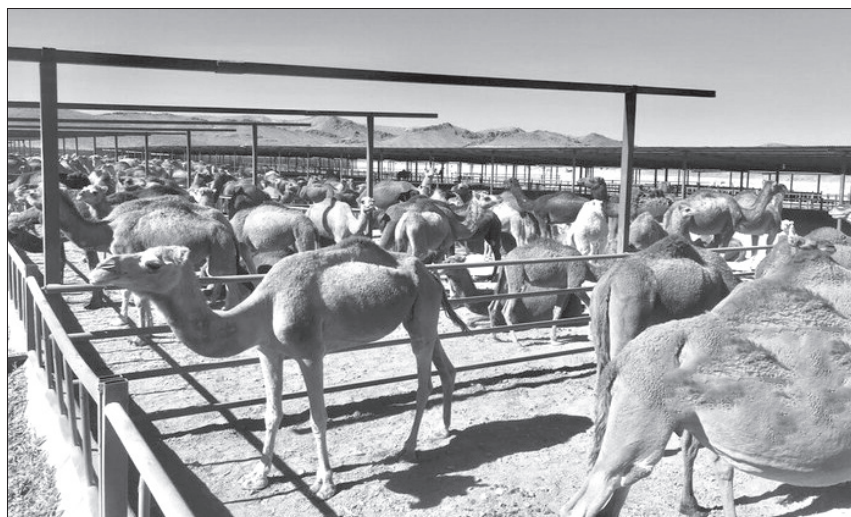
ادامه تیر اول



کشاورزی که محصول خود را تحویل داده اما برای دریافت پولش ماه‌ها انتظار می‌کشد، با چه انگیزه‌ای باید در فصل بعد دوباره گندم بکارد؟ طبیعی است که برخی تولیدکنندگان به سمت محصولات دیگر بروند یا محصول خود را خارج از چرخه خرید تضمینی عرضه کنند؛ جایی که پول نقد، هرچند با قیمت کمتر، سریع‌تر به دستشان می‌رسد. پیامدهای این روند تنها متوجه کشاورزان نیست. کاهش انگیزه تولید، افت سطح زیر کشت و کاهش میزان تحویل گندم به دولت، در نهایت امنیت غذایی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمی‌توان از خودکفایی در تولید گندم سخن گفت اما نسبت به مشکلات تولیدکنندگان آن

بی تفاوت ماند. مطالبه گندمکاران پیچیده نیست. آنها فقط می‌خواهند بهای محصولی که تحویل داده‌اند در زمان مقرر پرداخت شود؛ به گونه‌ای که دغدغه تامین هزینه‌های زندگی، بازپرداخت بدهی‌ها و برنامه‌ریزی برای کشت سال آینده را نداشته باشند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که امنیت غذایی با بخشنامه و شعار محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند جلب اعتماد تولیدکننده است. این اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که کشاورز اطمینان داشته باشد دولت نیز به همان اندازه که از او انتظار تولید و تحویل محصول دارد، به تعهدات خود پایبند است. تا زمانی که تاخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران به رویه‌های عادی تبدیل شده باشد، نباید از کاهش انگیزه تولید و افزایش گرایش‌ها شگفت‌زده شد. زخم کهنه خرید تضمینی گندم هر سال سرباز می‌کند و تا زمانی که برای آن چاره‌ای جدی اندیشیده نشود، این داستان فرسایشی ادامه خواهد داشت؛ داستانی که هزینه آن را پیش از همه، کشاورزان و در نهایت امنیت غذایی کشور می‌پردازند.

شترداری بومی؛ راهکار احیای مراتع و کاهش ریزگردها



لاکتوز و ترکیبات خاص خود، بازار رو به رشدی در بسیاری از کشورها دارد. هلاکو در این خصوص گفت: شیر شتر به عنوان یک غذای فراسودمند شناخته می‌شود و در صورت ایجاد زیرساخت‌های مناسب فرآوری و بسته‌بندی، می‌تواند به یکی از محصولات صادراتی استان تبدیل شود. وی افزود: گوشت شتر، روغن کوهان، کرک و حتی برخی فرآورده‌های جانبی این حیوان نیز دارای ارزش اقتصادی هستند و توسعه صنایع وابسته می‌تواند فرصت‌های شغلی متعددی ایجاد کند. هلاکو گفت: این فعالیت بر پایه مشارکت خانواده‌های روستایی و عشایری شکل گرفته و زمینه ایجاد مشاغل خرد و خانگی را فراهم می‌کند. وی افزود: تولید فرآورده‌های لبنی، صنایع دستی مبتنی بر کرک شتر و فعالیت‌های مرتبط با گردشگری روستایی از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند برای زنان و جوانان مناطق محروم فرصت اشتغال ایجاد کند با وجود ظرفیت‌های قابل توجه، توسعه شترداری در گلستان با موانعی نیز مواجه است. این محقق مرکز تحقیقات کشاورزی گلستان گفت: کاهش سطح مراتع در اثر خشکسالی، تغییر کاربری اراضی و محدودیت‌های منابع طبیعی برای صدور پروانه چرا از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این بخش است. وی افزود: نبود صنایع مدرن فرآوری شیر شتر، محدود بودن کشتارگاه‌های تخصصی، ضعف بازاریابی و کمبود حمایت‌های مالی متناسب با هزینه‌های روز نیز از دیگر مشکلات فعالان این حوزه به شمار می‌رود. هلاکو همچنین کمبود آموزش‌های تخصصی در زمینه تغذیه علمی، اصلاح نژاد و مدیریت نوین واحدهای پرورش شتر را از دیگر موانع توسعه این صنعت عنوان کرد. کارشناسان بر این باورند که توسعه شترداری در گلستان باید فراتر از افزایش تعداد دام مورد توجه قرار گیرد و تمامی حلقه‌های زنجیره ارزش این بخش از تولید تا فرآوری و بازاریابی را دربرگیرد. ایجاد کارخانه‌های کوچک فرآوری شیر شتر، توسعه صنایع بسته‌بندی گوشت، تشکیل تعاونی‌های تخصصی شترداران، تامین نهاده‌های مورد نیاز و گسترش آموزش‌های فنی از جمله اقداماتی است که می‌تواند مسیر توسعه پایدار این بخش را هموار کند.

گفت: یکی از مهم‌ترین مزیت‌های شترداری اکولوژیک، نقش آن در حفظ و احیای پوشش گیاهی است که در نهایت به کاهش فرسایش بادی و کنترل کانون‌های تولید گرد و غبار منجر می‌شود. وی توضیح داد: در سیستم‌های علمی و مدیریت‌شده، شترها از طریق چرای چرخشی در مراتع حضور می‌یابند و از تخریب پوشش گیاهی جلوگیری می‌شود و علاوه بر آن، این دام با مصرف سرشاخه‌های خشک و پراکنش بذر گیاهان، شرایط مناسبی برای رشد مجدد پوشش گیاهی ایجاد می‌کند. به گفته وی، تقویت پوشش گیاهی در مناطق مستعد فرسایش بادی می‌تواند به مرور زمان نقش موثری در کاهش تولید ریزگردها و تثبیت خاک داشته باشد. کارشناسان معتقدند یکی از مهم‌ترین مزیت‌های شترداری، تنوع محصولات و ارزش افزوده بالای آن است. شیر شتر که در سال‌های اخیر به دلیل خواص تغذیه‌ای و درمانی مورد توجه قرار گرفته، از جمله محصولات با ارزش اقتصادی بالا محسوب می‌شود و به دلیل میزان پایین

می‌تواند به بازسازی پوشش گیاهی کمک کند. یکی از محققان مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان معتقد است شترداری اکولوژیک به تولید گوشت و شیر محدود نمی‌شود و بخشی از یک چرخه طبیعی برای احیای محیط‌زیست است. غلامعلی هلاکو اظهار کرد: در شترداری اکولوژیک مفهوم پسماند وجود ندارد و حضور شتر در مراتع و اراضی نیمه‌بیابانی موجب انتقال و پراکنش بذر گیاهان مرتعی در سطح وسیعی از طبیعت می‌شود. وی افزود: فضولات شتر علاوه بر اینکه یک کود طبیعی و ارزشمند محسوب می‌شود، در اصلاح خاک‌های شور و قلیایی نیز نقش موثری دارد و می‌تواند به افزایش حاصلخیزی اراضی کم‌بازده کمک کند. این محقق گلستانی ادامه داد: در بسیاری از مناطق خشک جهان، شتر به عنوان یکی از ابزارهای توسعه پایدار شناخته می‌شود، زیرا ضمن تولید محصولات اقتصادی، به حفظ تعادل اکولوژیک نیز کمک می‌کند. هلاکو با اشاره به تشدید پدیده گرد و غبار در بخش‌هایی از شمال گلستان

تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های پی‌درپی و گسترش کانون‌های گرد و غبار، بخش قابل توجهی از مراتع شمال گلستان را تحت تأثیر قرار داده که در این شرایط، کارشناسان و پژوهشگران حوزه منابع طبیعی و دامپروری، توسعه شترداری اکولوژیک را یکی از ظرفیت‌های مغفول اما موثر برای احیای پوشش گیاهی، تقویت اقتصاد روستایی و مقابله با ریزگردها در گلستان می‌دانند که می‌تواند به الگوی برای توسعه پایدار در نواحی خشک و نیمه‌خشک تبدیل شود. به گزارش ایرنا، شترداری از گذشته‌های دور بخشی از زندگی مردم ترکمن صحرا بوده و همچنان در شهرستان‌های گنبدکاووس، آق‌قلا، گمیشان و مراوه‌تپه جایگاه ویژه‌ای دارد که وجود نشت‌های وسیع، مراتع قشلاقی و اراضی کم‌بازده در نوار شمالی استان، شرایط مناسبی برای پرورش این دام سازگار با اقلیم خشک فراهم کرده است. بر اساس آمارهای جهاد کشاورزی گلستان، حدود ۲ هزار و ۸۰۰ نفر شتر در استان نگهداری می‌شود که نزدیک به نیمی از این جمعیت در شهرستان گنبدکاووس متمرکز است. هرچند این تعداد در مقایسه با ظرفیت‌های طبیعی منطقه چندان قابل توجه نیست، اما کارشناسان معتقدند توسعه هدفمند این بخش می‌تواند آثار اقتصادی و زیست‌محیطی گسترده‌ای برای استان به همراه داشته باشد. کارشناسان حوزه دامپروری معتقدند شتر در میان دام‌های اهلی، بیشترین سازگاری را با شرایط شوار اقلیمی دارد و این حیوان به دلیل ساختار ویژه بدن، نیاز آبی پایین و توانایی استفاده از گیاهان شورپسند و مقاوم به خشکی، فشار کمتری بر منابع طبیعی وارد می‌کند. مراتع شمال گلستان نیز با برخورداری از گونه‌هایی همچون خارشتر، گز، اشنان و آترپلکس، ظرفیت مناسبی برای تغذیه شتر دارند که بسیاری از دام‌های دیگر تمایل یا توان استفاده از این گیاهان را ندارند. پژوهشگران معتقدند برخلاف برخی دام‌ها که در شرایط کمبود علوفه می‌توانند موجب تخریب پوشش گیاهی و تشدید فرسایش خاک شوند، شتر به دلیل الگوی چرای متفاوت، آسیب کمتری به اکوسیستم‌های شکننده وارد می‌کند و حتی در صورت مدیریت اصولی،

با دولت، مجوز صادرات حدود ۱۰ هزار تن سیب‌زمینی اخذ شد که این اقدام نقش مهمی در تنظیم بازار استان و ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا داشت. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار ادامه داد: بخشی از این محصول نیز توسط واحدهای صنایع تبدیلی خریداری و فرآوری شد که این موضوع موجب افزایش سود کشاورزان و رضایتمندی فعالان بخش کشاورزی و صنایع مرتبط شد. وی تأکید کرد: نتایج این سیاست‌ها نشان می‌دهد با مدیریت صحیح و انسجام در تصمیم‌گیری‌ها، می‌توان علاوه بر حل مشکلات مقطعی بازار، زمینه توسعه پایدار بخش کشاورزی استان را فراهم کرد. کیان‌مهر با قدرانی از همکاری بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی استان گفت: تلاوم این روند می‌تواند به رشد پایدار تولید، حمایت از کشاورزان و تقویت جایگاه گلستان در تولید محصولات کشاورزی کشور منجر شود.

معاون اقتصادی استاندار گلستان گفت: با اجرای سیاست صادرات و تقویت صنایع تبدیلی، بازار سیب‌زمینی استان متعادل و درآمد کشاورزان افزایش یافت. به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیان‌مهر با اشاره به جایگاه این استان در تولید محصولات کشاورزی اظهار کرد: گلستان در بسیاری از محصولات کشاورزی جز استان‌های برتر کشور است، اما در سال‌های گذشته به دلیل ضعف زیرساخت‌های صنایع تبدیلی، بخشی از تولیدات به صورت خام از استان خارج شده یا دچار هدررفت می‌شود. وی افزود: توسعه صنایع تبدیلی یکی از سیاست‌های اصلی دولت و مدیریت استان است تا با افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی، درآمد کشاورزان بهبود یافته و از خام‌فروشی جلوگیری شود. کیان‌مهر با اشاره به اقدامات انجام‌شده در فصل برداشت سیب‌زمینی گفت: با پیگیری‌های استاندار گلستان و مکاتبات انجام‌شده

صادرات ۱۰ هزار تن سیب‌زمینی، بازار کشاورزی گلستان را متعادل کرد

براساس این تعریف متاسفانه بخش وسیعی از کشور و استان مشمول این تعریف است. عوامل انسانی زیادی در تخریب مدیریت سرزمینی استان نقش دارد که قابل توجه دست اندرکاران و برنامه ریزان استان است که در فرصت مناسب در آینده بدان پرداخته خواهد شد. با توجه به شرایط جغرافیایی و مدیریتی ایران، می توان دلایل اصلی این پدیده را در دسته های زیر تحلیل کرد:

۱. مدیریت ناپایدار منابع آب (عامل کلیدی)

ایران در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد و کمبود آب، محدودیت اصلی است. با این حال: برداشت بی رویه از سفره های آب زیرزمینی: حفر چاه های مجاز و غیرمجاز بی شمار، باعث افت شدید سطح آب های زیرزمینی، نشست زمین (فروچاله) و شور شدن خاک ها شده است. سدسازی های بی رویه و تغییر مسیر رودخانه ها (انتقال آب بین حوضه ای):

این اقدام باعث خشک شدن تالاب ها (مانند ارومیه، گاوخونی و جازموربان) شده که خود به کانون های داخلی گرد و غبار تبدیل شده اند.

۲. تغییر کاربری اراضی و فشار بر خاک توسعه بی رویه کشاورزی:

تبدیل مراتع و جنگل ها به زمین های کشاورزی (آن هم در مناطق خشک) باعث از بین رفتن پوشش گیاهی تثبیت کننده خاک شده است. چرای مفرط دام:

تعداد دام ها در مراتع ایران بسیار فراتر از ظرفیت زیستی آن هاست. دام ها نه تنها پوشش گیاهی را از بین می برند، بلکه با کوبیدن خاک، نفوذپذیری آن را کاهش داده و فرسایش بادی و آبی را تسهیل می کنند.

۳. تغییرات اقلیمی

اگرچه این یک عامل جهانی است، اما ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده است: افزایش دما و کاهش بارندگی: تغییر الگوی بارش (تبدیل برف به باران و



بیابان زدایی

صفرقلی خواجه

روز جهانی مقابله با بیابان زدایی و خشکسالی (World Day to Combat Desertification and Drought) هر سال در ۱۷ ژوئن برگزار می شود.

این روز توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ و هم زمان با تصویب کنوانسیون مقابله با بیابان زدایی (UNCCD) نام گذاری شد تا توجه جهانی را به پیامدهای تخریب سرزمین، بیابان زدایی و خشکسالی جلب کند. بهمین مناسبت هر سال ۲۷ خرداد ماه بعنوان روز بیابان زدایی و مقابله با بیابان و خشکسالی در ایران مراسم سمبلیک از طرف سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری برگزار می شود. از آنجائیکه بیابان زائی یک موضوع چند بعدی است مقابله با آن نیازمند یک سیاستگذاری قوی از طرف نظام و اجرای هماهنگ همه دستگاه های اجرائی و مردم است تا از خسارت های پیش رو پیشگیری بعمل آید. تعریف بیابان زدائی بر اساس تصویب کنوانسیون مقابله با بیابان زدائی (UNCCD) عبارت است از "تخریب سرزمین در اقلیم خشک، نیمه خشک و خشک نیمه مرطوب بر اثر عوامل طبیعی ویا عوامل انسانی"



سیلابی شدن بارش ها) باعث شده آب به

جای نفوذ در زمین، جاری شود و خاک حاصلخیز را با خود بشوید (فرسایش خاکی). خشکسالی های پی درپی:

کاهش رطوبت خاک، گیاهان بومی را از بین برده و زمین را مستعد تبدیل شدن به بیابان (فرایند بیابان زدایی) کرده است.

۴. عوامل انسانی و صنعتی

تخریب پوشش جنگلی: قطع درختان برای سوخت و احیاء زمین کشاورزی، توسعه شهرک سازی و پروژه های عمرانی بدون ارزیابی زیست محیطی، لایه محافظ خاک را از بین می برد. آلودگی های صنعتی و معدنی: فعالیت های معدنی گسترده بدون بازسازی و ورود پساب های صنعتی به زمین های کشاورزی، کیفیت خاک را برای همیشه تخریب می کند.

۵. ضعف در مدیریت و سیاست گذاری

*فقدان آمایش سرزمین:

اجرای پروژه های صنعتی و کشاورزی در مکان هایی

که توان اکولوژیک ندارند.

فقر جوامع محلی:

در بسیاری از مناطق، وابستگی شدید معیشتی مردم به بهره برداری مستقیم از زمین (به دلیل نبود شغل جایگزین)، آن ها را ناچار به تخریب منابع طبیعی می کند.

جمع بندی:

چرخه معیوب

در ایران، این عوامل به صورت یک چرخه معیوب عمل می کنند:

- ۱- کاهش پوشش گیاهی و مدیریت بد آب
 - ۲- خشک شدن خاک و کاهش حاصلخیزی
 - ۳- بیابان زدایی و گرد و غبار
 - ۴- کاهش تولیدات کشاورزی و مهاجرت روستائیان
 - ۵- فشار بیشتر بر مناطق باقی مانده
- برای مقابله با این روند، ایران نیازمند گذار از رویکرد «سازه-محور» (مانند سدسازی) به «مدیریت اکوسیستم-محور» (مانند آبخیزداری، احیای تالاب ها و اصلاح الگوی کشت) است.

مدیر کل اسبق منابع طبیعی گلستان

شروع پادشاهی اسبها

نژاد دوخون هندیکاپ در دسته مبتدی و نبرده بود که با شرکت ۱۱ راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر برگزار شد و در پایان اسب «هچ دخت» سریع تر از خط پایان گذشت و اسب های «زرین گل بندر» و «سرگل شیروان» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور پنجم این مسابقات هم ۱۱ راس اسب سه ساله نژاد دوخون هندیکاپ در دسته مبتدی و نبرده به مسافت ۱۰۰۰ متر با یکدیگر به رقابت پرداختند که اسب «آنا ناز» اول شد و اسب های «آلتون سیتی» و «آلا ناز» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور ششم و پایانی این هفته هم که ویژه اسب های بیش از سه سال نژاد دوخون هندیکاپ در دسته هفت بود و با شرکت ۱۰ راس اسب به مسافت ۱۷۰۰ متر برگزار شد، در پایان اسب «ناز جهان» به مقام قهرمانی رسید و اسب های «کارن طالعی» و «نیو اسکات» به ترتیب دوم و سوم شدند. متولیان برگزاری روز نخست از هفته ششم مسابقات اسبدوانی کورس بهاره گنبدکاووس مبلغ ۲۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریال پاداش نقدی پیش بینی کردند که به مالکان، مربیان و چابک سواران اسب های برتر اهدا شد.



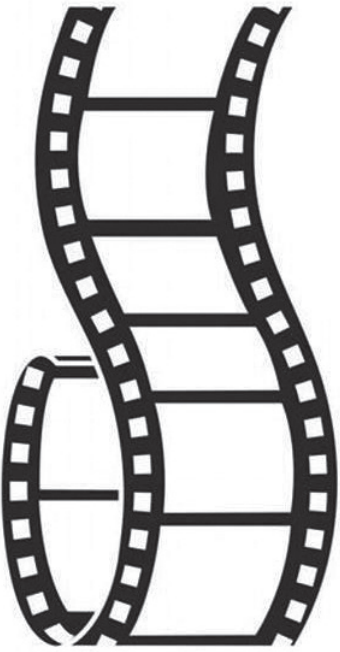
بدست آوردند. رقابت در دور چهارم روز نخست از هفته ششم مسابقات اسبدوانی کورس بهاره گنبدکاووس ویژه اسب های بیش از چهار سال

به رقابت پرداختند که اسب «آلاگل» با پیشی گرفتن از دیگر رقیبا اول شد و اسب های «مون لایت رز» و «شودان» به ترتیب مقام دوم و سوم را

روز نخست از هفته ششم مسابقات اسبدوانی بهاره گنبدکاووس با تاخت و تاز ۶۱ راس اسب از سه نژاد «ترکمن، دوخون و تروریدر» در ۶ کورس شامل پنج دور ۱۰۰۰ متری و یک دور ۱۷۰۰ متری در مجموعه سوارکاری این شهرستان برگزار شد. به گزارش ایرنا، در دور اول این مسابقات که ویژه اسب های ۲ ساله نژاد ترکمن هندیکاپ در دسته مبتدی و نبرده بود، ۹ راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر با هم به رقابت پرداختند که اسب «نیکان خان» زودتر از سایر اسب ها از خط پایان گذشت و قهرمان شد و اسب های «فریاد گز» و «سن آی سنگسار» به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند. رقابت در دور دوم ویژه اسب های بیش از چهار سال نژاد ترکمن هندیکاپ در دسته میدان آزاد بود که با شرکت ۹ راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر برگزار شد و در پایان اسب «ماکان کلاته» اول شد و اسب های «روشن آی» و «شیرشاه مقدس» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور سوم نیز که ویژه اسب های بیش از چهار سال نژاد تروریدر هندیکاپ در دسته میدان آزاد بود، ۱۱ راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر باهم

خرگوش سیاه

خرگوش سفید



علی درزی - دبیر صفحه

۱ هنر بودن اتمی

خدایان که از قصه بی‌قصه‌ای انسان‌ها روی زمین حوصله‌شان سر رفته بود، با خود گفتند چه کنیم تا مقدمات سرگرمی خود را مهیا کنیم؟ آن‌گاه هر آنچه را که ما شر می‌پنداریم را در صندوقچه‌ای قرار دادند و از آنجایی که خواستند منطق مختار بودن انسان را به داستان سرگرم کننده‌شان اضافه کنند، برجسب "لطفاً باز نشود" را روی آن چسباندند و به زمین فرستادند. درام از آن جایی شروع شد که انسان مختار به خود گفت: چه موهبتی بالاتر از این، که بسته ممنوعه خدایگان را باز کنم؟! همانا شر با حسد و بخل و کینه و دروغ گره در نمایشنامه زندگی انسان‌ها انداخت، گره‌ای کاملاً جبری که از اختیار ناشی می‌شد. و این گره‌ها گره‌های بزرگتری چون قتل و جنگ و خیانت و تجاوز را به بار آورد و قصه‌های سرگرم کننده در انواع و اقسام ژانرها پدید آمد. خدایگان که قادر متعال قصه‌ها بودند، پایان این قصه را به شروع قصه‌ای دوباره حلقه کردند. ساختار حلقه‌ای این نمایشنامه به خودی خود شاهکاری در نمایش محسوب می‌شود چرا که پایانی بر آن نیست و می‌تواند در زمانی نامحدود از بطن خودش دوباره و دوباره قصه بزیاید. ولی خدایگان که فراتر از تصور هر قصه‌پردازی قصه خلق می‌کنند، به این تکنیک هم بسنده نکردند، آن‌ها یک دلیل منطقی هم برای حلقه‌شان در آخرین لایه از جعبه قرار دادند. و آن چیزی نبود جز امید. انسان مجبور به واسطه اختراعی چون فلسفه، امید را دو شق کرد. شق اول: خدایگان اگر درد را می‌دهند، درمان را نیز داده‌اند. امید، عامل رهایی بخش انسان در مواجهه با رنج این زندگیست. شق دوم: خدایگان در واقع خالقان انسان‌آزای بوده‌اند که برای دیدن زجر انسان‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. امید شر مطلق ته جعبه بود. شاید درست‌تر باشد که بجای بودن یا نبودن، بگوییم: با امید بودن

یا ناامید بودن، مساله این است. هیچ حرجی به هیچ‌کدام از این دو شق وارد نیست، چه بسا که در ادامه همان زندگی توام با رنج حلقه‌وارمان، همچون پاندولی بین این دو در رفت و آمدیم البته با شانس فراموشی. لحظه‌ای که در موقعیت شق اولیم، آن یکی شق را فراموش می‌کنیم و برعکس. و اما شق سوم! شق سومی هم منفک از فلسفه وجود دارد و آن خود زندگیست. زندگی به مثابه زیستن انسان (صاحب زندگی) در اکنون. اگر انسان را در لحظه و فارغ از هر نوع معنا در نظر بگیریم، یک هیچ بسیار بسیار کوچک (ناچیز) است که در طول عمرش به سمت بی‌نهایت (عدم) میل می‌کند. فاکتور این شق، به خاطر سپردن فراموشیست، انسانی که فراموش نمی‌کند، در هر لحظه از آونگ بین آن دو شق دچار یک هیچ ناچیز (ایستایی) عظیمی می‌شود که او را از حرکت باز می‌دارد، اینجا نه امیدوار بودن به کارش می‌آید و نه ناامیدی بلکه، دوباره برمی‌گردیم به همان جمله معروف شکسپیر: بودن یا نبودن، مساله این است. تنها چیزی که انسان به خاطر آورنده را به ادامه او می‌دارد، فقط و فقط خود زندگیست، همان هیچ کوچک. ناچیز هست ولی اصلاً بی‌مقدار نیست، مثل اتم. اگرچه نمی‌توان رسالتی برای هنر قائل شد ولی کاش بتواند، در این روزها که انگار به قرون وسطی بازگشته‌ایم و از نو بودن و نبودن مساله شده. در این روزها که انگار اشرار جعبه پاندورا همچون روز اول، اینبار از زمین و آسمان بر سر و دست و پایمان می‌ریزد، چون سوخت اتمی در ما بسوزد و به بودنمان کمک کند. تقدیم به همه آن‌هایی که به تازگی، دیگر نبودند.

۲ مگر تاجیکستان چه دارد؟

از آن جایی که فیلم اخیر شهرام مکرری، یعنی "خرگوش سیاه، خرگوش سفید" یک فیلم فرمالیستی محسوب می‌شود، ترجیح می‌دهم به جای تحلیل و نقد سکانس به سکانس یا تشریح پیرنگ‌ها و خط داستانی فیلم، یک نقد فرمالیستی انجام بدهم، در سبک و سیاق خود فیلم. فیلم "خرگوش سیاه، خرگوش سفید" نماینده سینمای تاجیکستان در اسکار، چرا ایران نه؟ مگر تاجیکستان سینما دارد؟ موضوع مورد بحث از همین‌جا شروع می‌شود، سینمای تاجیکستان! شهرام مکرری جدیدترین فیلمش را چرا باید در تاجیکستان بسازد؟ مگر تاجیکستان چه درد که ایران ندارد؟ فیلم‌هایی که در ایران ساخته می‌شوند بر دو نوعند. جوازدار و بی‌جواز. فیلم‌های جوازدار به فیلم‌هایی گفته می‌شود که از تایید فیلمنامه تا فیلم ساخته شده باید مورد تایید وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. در همین نوع جوازدار، فیلم‌هایی ساخته می‌شوند (الان کمتر) که در دسته هنر و تجربه یا فیلم‌های معناگرا یا فیلم‌های خاص (از نظر مخاطب عام اینگونه نام گذاری می‌شدند). از آن نام می‌برند، این فیلم‌ها از فیلم کوتاه گرفته تا مستند و فیلم‌های بلند

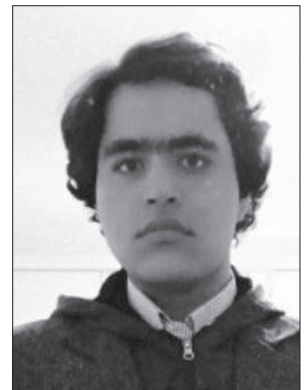
فرمالیستی، در پست‌ترین جای ممکن از جدول اکران قرار می‌گیرند و تنها مخاطبان خاص خودش را در سینما دارد. البته خیلی‌های آن هم توقیف می‌شود، مثل نماینده امسال ما در اسکار، "علت قتل نامعلوم" که سال‌ها توقیف بود و بعد یکهو شد نماینده اسکار خودمان. و نوع دوم فیلم‌های بدون مجوز که به اصطلاح به فیلم‌های زیرزمینی معروفند. این فیلم‌ها اساساً بدون رعایت ممیزی‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (از عمل، رد کردن خطوط قرمز) ساخته می‌شوند. "مثلاً کیک محبوب من" از قضا فیلم‌هایی که در سال‌های اخیر به صورت زیرزمینی (بدون جواز) ساخته شده، مثلاً "دانه انجیر معابد"، از طرف آلمان در اسکار قبلی شرکت کرد، فیلم جعفر پناهی، "یک تصادف ساده"، در اسکار اخیر از طرف فرانسه شرکت کرد، و نوع دیگرش را میتوان مثلاً همچنین فیلم "چیزهایی که در خودت از بین می‌بری". ساخته علیرضا خاتمی هم نماینده کانادا بود و اکنون شهرام مکرری از طرف تاجیکستان با فیلم "خرگوش سیاه، خرگوش سفید" که در کشورهای دیگر ساخته شدند. فیلم شهرام مکرری با فیلم کانادایی تفاوت‌هایی دارد. شهرام مکرری در فیلم "اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر..." با ادای دین کپی گونه‌ای که به تارانتینو از فیلم‌های "سگ‌دونی" و "پالپ فیکشن" شناخته شد، از همانجا نشان داد که مثل تارانتینو کپی کننده خوبی است، همانطور که از انیمیشن کوتاه "A Legy" محصول مجارستان برنده اسکار ۱۹۸۱، برای فیلم کوتاه خودش یعنی، "طوفان سنجاقک" کپی کرد. مگر تاجیکستان سینما دارد؟ خیر، انگار مکرری بعد از "هجوم" با پلان سکانس خداحافظی می‌کند و اینبار فرم خود را که مضمون با محوریت زمان است، در فیلمنامه دنبال می‌کند. او در "جنایت بی‌دقت" داستان حسین تکبعلی زاده را روایت می‌کند که همه چیزش، از حرکت تروریستی‌اش تا دادگاهی‌اش و از اکران فیلم گوزن‌ها تا اتفاقات موازی‌گونه در زمان حال، همه و همه در دایره‌ای زمانی با رفت و برگشت‌های گیج کننده بین الان و گذشته می‌چرخد، طوری که مخاطب گم می‌کند که الان است که اتفاق بیوفتد یا قبلاً اتفاق افتاده و قرار است دوباره تاریخ تکرار بشود. گویا شهرام مکرری می‌خواسته در "جنایت بی‌دقت" فیلمی با موضوع زیرزمینی بسازد البته با این تمهید که، طوری بسازد که به او جواز بدهند. یا بهتر بگوییم، دوستان ممیزی پی به نیتش نبرند. آخر هر چه نباشد! فیلم‌های جوازدار حتی از نوع فیلم‌های معنی‌گرا و خاصش، باز هم سگش شرف دارد به فیلم‌های زیرزمینی. فرقی اگر همان اکران محدود هم باشد باز برای مکرری‌ها کم چیزی نبوده. اینبار مکرری به لحاظ فرم که دغدغه اصلی اوست، دوربین را به سمت خودش می‌چرخاند و اینبار نه اینکه بخواهد فیلمی از بازسازی یک صحنه ترور را در تاجیکستان بسازد، خیره او می‌خواهد فیلمی از شهرام مکرری بسازد که در حین ساختن فیلمی با موضوع بازسازی ترور در فیلم ایرانیست، البته در تاجیکستان. با

این چرخش دوربین به سمت خود و ارجاع به خود که حتی در اولین فیلم بلندش هم از او سراغ داریم، می‌خواهد بگوید که فیلم‌های فرمالیستی دیگر زورش به ممیزی‌ها و خط قرمزهای اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی‌رسد پس به همین خاطر من فیلمی از شهرام مکرری را می‌سازم که در حین ساختن فیلمی در تاجیکستان است، اما در فیلمم از دختران زیبای تاجیکی استفاده می‌کنم، دختران زیبایی که در کل فیلم قرار است برقع بپوشند. اگر قرار است که در فیلم برقع بپوشند پس چرا باید زیبا باشند؟ چون فیلم ما در مورد پشت صحنه همین فیلم است، پس اگر قرار باشد که آن‌ها در هوای گرم و بدون سایه بایستند، یقیناً نمی‌توانند برقع پوش باشند. پس بدون برقع باید زیبا باشند. اما احتمالاً خبری که جدیداً از آکادمی اسکار برای فیلم‌های بین الملل منتشر شده، باید برای شهرام مکرری جالب باشد که؛ دیگر لازم نیست فیلم‌ها توسط دولت کشورها به مراسم معرفی شوند، یا لازم نیست برای فیلم زیرزمینی خودتان یک کشور انتخاب کنید تا توسط آن به آکادمی معرفی شوید. فیلم‌های مستقل (زیرزمینی) هم می‌توانند برای اسکار شرکت کنند. (البته اسکار نمی‌تواند بابت حکم احتمالی حبس تعزیری و شلاق، ضمانتی به کارگردانان زیرزمینی بدهد). البته این امر که اسکار و هیچ جشنواره‌ای ملاک خوب یا بد بودن فیلم نیست، بر هیچ کس پوشیده نیست، حتی آن کسی که دو بار از کنار سینما رد شده باشد این را خوب می‌فهمد. ولی خب فیلم‌هایی مثل "بچه‌های آسمان"، "جدایی" و "فروشنده" برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این دست‌آورد را داشته که مثلاً ادعا کند: فیلم‌های مورد تایید ما که در جشنواره فجر جایزه برده‌اند می‌تواند مورد تایید جهانیان باشد! نمی‌شود هر وقت به نفعتان باشد آن را یک افتخار در نظر بگیرید و هر وقت که به ضررتان باشد آن را رد کنید. حالا بهتر است برگردیم به سوال اصلی، مگر تاجیکستان چه داشت که ایران نداشت؟ فقط نوشیدنی الکلی گرم و دختران زیبا؛ همین. وگرنه فیلم می‌توانست در ایران ساخته شود. گاهی اوقات پیچ در پیچی‌های زمانی، رفت و برگشت‌های گیج کننده و شکسته شدن‌های خط زمانی، تبدیل شدن اوام به واقعیت و بسیاری از این فاکتورهای گیج کننده، تنها به یک جواب ساده ختم می‌شوند: "خرگوش سیاه، خرگوش سفید" وای همه مولفه‌های فرمالیستی‌اش یک پیام روشن داشت: دیگر در ایران زور فرم و محتوا به ممیزی‌ها نمی‌رسد، باید رفت؛ حتی اگر شده تاجیکستان.

لینچ با چخوف دوئل میکند

میزنند همدیگر را لت و پار میکنند و بعد بخشی که سالم مانده ازشان آن بخش جرواجر خورده را دفن میکنند و خرگوش سیاه که حوصله ی این انسان-کلاغ بازی ها را نداشت و ندارد خرگوش سفید را میزند به سیخ و یک کباب درست میکند شاهکار و اما تا میآید بخوردش میبیند که خرگوش سُم دارد و گوشتش حرام است و فرض کن نتوانی زنت را رام کنی یا زنت تو را آرام کند و تو بخواهی او را بکشی و او بخواهد تو را بکشد و اصلاً دیگر باید همیشه و همه وقت و همه حال همه ی مردان سامان نمادین پدرسالاری باشد و دراسات و ولایت و ریش و سبیل و مردانگی و یک گی میزند بیرون از دوتا باجناق و جناق آق مجی ما با یک اجی مجی دورش یک هاله ی زرد میآید و از بیرون کادر - تا بفهمیم که همه ش فیلم است و همه ی فیلمها از نوادر و غنایم نابین همیشه موجود و همیشه زنده نشات میگیرد و تفنگ را از بیرون کادر میگیرد و برو عقب آقا برو عقب تا بتونی درست متن رو بخونی و میخوای بخونی که چی و نخونی که چی و شما فرای همه ی اینها هستید و فرازبانید در سینما و هشت و نیم فیلینی اینجاست و مگر از روی جنازه من رد شوی در ۲۰۲۶ و حریم یا پناهگاه زاخاری ویگون هم از همین ایده ها دارد و ایده ی اولیه را شاید لینچ نوشت که گفتش تاریخ را فاتحان مینویسند و از نش چخوف پرید - به سمت غرب چون همیشه پایان وسترنی جواب است و هپی اندینگن هالیوودی در هپی اندینگن مخاطب پسند در تاجیکستان نفوذ کرد و در صحنه ای نمادین یا واقعی یا اصلاً چه اهمیتی دارد که یک تفنگ رو دیوار باشد و تفنگ رو دیوار قاب عکس یا قاب نقاشی است و دختر زن باندپیچی - همان ماهیچیچی - رو فیلمنامه اش نقاشی دارد و مرد کت شلواری در صحنه ی اول دیدار بابک پس از خداحافظی دیوار تق تق میزند فندکش را و در صحنه ی دیگر که ادامه ی همین صحنه است یک بار فندک میزند و فندکش را پرت میکند همان فرشته به سمت پایین - چون همیشه یک رفیق آتشی دارد ازین به بعد - و فندک می خورد تو سر خرگوش سیاه و خرگوش سفید که نغله میشود، خرگوش سیاه از بغلش رد میشود و همزمانی که از حجاب و تاریخ و زن و آزادی و تکرار کارنامه و مجوز و سیاسی و سیاسیت و اینجور چیزها، فیسفسیس و فیسفشیش - یا هر ملل صدای دیگری که هر خرگوش سیاه دیگری دارد - درمیآورد و میآید پیش شهرام و میگوید من بودم و سفید خرگوش، آقا دیوید هم بود. چخوف هم نغله شد. گفت بهت بگم از تفنگ استفاده کنی. از استعار-شعار هم، از برداشت های طولانی که نگو اصلاً هبوط خیلی طول کشید. تهش بیدار شدم دیدم تو یه چمدونم. نه هجوم رو نمیگم. جعبه ی تفنگ زن رو هم نمیگم. ماهیچیچی بودش؟ مهم نیست. چی مهم نیست؟ اونم مهم نیست.

آرتور میلر جرات یا حقیقت بازی میکند تا ببیند کدامشان همه چیز را میدانند و کدامشان همه چیز را نمیدانند و به یکیشان گفت من چیزی میدانم که شماها نمیدانید و خوب این حرف در زمان خودش دیس فویای حساب میشد و او هم دم نداشتش اش را گذاشت رو کولش و رفت در آن سمتی ایستاد که یک فرشته ی قرمزی با دم قرمزی که اتفاقاً کلاه قرمزی هم همیشه سرش بود و همه کلاه قرمزی صدایش میکردند ایستاد و کلاه قرمزی نخعی سیگار با تن از آتش قرمز روشن میکند و میدهد به دست آن یکی و آن یکی ایتالیایی است و این یکی ایرانی و این یکی بابک است و آن یکی آنتونیو و این یکی شاید در خواب است و آن یکی شاید در بیداری و شاید هردوی اینها ندارند ربطی به هم و همدیگر را اما می بینند در یک زمان و در یک مکان و در یک بعد و اصلاً بعد چیست و بعد چیست و بعد-معد و عده و عدو و خلدو دیگر چیست و اگر هم بازگشت به آینده داشته باشیم یا ستاره ها میانی داشته باشند و فیزیک و کوانتوم و سیاهچاله و از تو سیاهچاله فرشاد ساخته چاره و خرگوش سیاه و خرگوش سفید که یک فیلم علمی تخیلی نیست که ازین حرفها توش بزنی و بباید بزنی به سلامتی تمامی سلامتی های دنیا که لطفاً نوشابه باشه پلیز و لیز خورده و از دره افتاده پایین و هنوز سر و مر و گنده است و در تاجیکستان است و اما فارسی را خوب حرف میزند و اما تمام تنش پوشیده است در سفیدی و آبا شهرام هم دستش را کرده تو استعاره و گفته خوب اینکه ماره و نمیخوام و این هم انسانه و نمیخوام و نسیم جان بیا اینجا ببینم به نظرت اگر انسان را بکنیم خرگوش و خرگوش را با بین و یانگ ترکیب کنیم و بعد بزنی یک ارجاع بیآوریم وسط به جنایت بی دقت و عروسک بزرگ و بزرگتر از حجاب هم مگر در ارشاد تا حالا فهم شده و در مجوز و در کارنامه ساخته میشود خرگوش سیاه و خرگوش سفید تازه نسیم می گوید خرگوشی که بدن یک انسان را داشته باشد به امپراتوری درون لینچ تنه میزند و شهرام میگوید لینچ کو حالا و لینچ دارد با چخوف دوئل میکند و آنتونیو ایستاده و گزارشگری میکند و چنان احساسی-ذوق زده است که انگار ارزشی کتاب دراسات منتظری را دیده و دیده منتظری هرچقدر منتظر بوده هیچی کف دستش نیامده و از آن ور بعد از رحلت اولی دومی میآید و هر دو اصلاً بحری آشنا آموخته و شنا چه حالی میده تو این گرما و بگذار این چادره را در بیآورد این دختره و بعد عه عه عه رفتم تو نماد باز که و همه جا سیاه شد و آخر سیاهی هم سفیدی است هم دایره ی زرد و هم شکستن دیوار چهارم یا ششم یا هشتم یا دیوار رنگی یا سیاه و سفید و آن خرگوش سیاهه تفنگش را درمیآورد و مسلحش میکند و هلشات میکند خرگوش سفید را و خرگوش سفید میفتد زمین و انسان های روی درخت هم



محمد صالح فصیحی

تکبر، تردد، تردید، تعبیر، تغییر، تعویض، چرخش، گردش، گردش دوربین و چرخش شخصیت و تعویض داستان و تغییر هابیل و قابیل و سیاه و سفید و فیلم خاکستری که سنتز میشود ازش. پس از کجا شروعش کنیم وقتی از جایی شروع میشود که جای شروع نیست و در جایی تمام میشود که جای تمام است و تمام در قبر است یا قبر در تمام است و میگویند که تمام خلقت و آفرینش و انسان در داستان حضرت آدم و حوا خلاصه میشود و کلش نمادین است و حضرت حق باری تعالی و همه ی فرشتگان منحصر به جنس به قربان ایشان بروند که دستی در شعر و ادب و اسطوره و استعاره داشته و داشته بعد از آن شش-هفت روز ابتدایی به کاروبار خودش نگاه میکرده و مجیز تبارک و برکت و مبارک و تبرک با بیس مداوم «ف» تکرار میشده و درین سرخوشی خوشی میزند زیر دلش و سرش را میکند رو به زمین و ولش کنی همه تان میدانید تهش چی میشود دیگر. خلاصه. با تکبر شیطان سجده نمیکند و قابیل هم هابیل را کشت. میخ دیگری بر تابوت زبازی! کی به کیست. اما خوب دست به تابوت نزنید که حتی من هم نمیدانم چرا. هرکس دلیل خودش را دارد اما ارجح و ارجحیت بر شهرام است و بر فیلمنامه و اصلاً بیا تو این اتاق تا بهت جواب همه ی سوالهایت را بدهم و در را باز میکند...عه اشتباه شد اشتباهی رفتیم تو فروشنده ی فرهادی و الان فرهادی دارد با

آشنایی با علائم فرسودگی ذهنی و تکنیک‌های مقابله با آن

فشار بیشتری قرار می‌گیرد. انتخاب بین حداکثر سه گزینه، فرآیند تصمیم‌گیری را ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. گرفتن تصمیم‌های مهم در ابتدای روز نیز توصیه می‌شود، زیرا مغز صبح‌ها انرژی شناختی بیشتری دارد و قدرت تحلیل بالاتر است. حذف تصمیم‌های تکراری هم می‌تواند به کاهش خستگی کمک کند. بسیاری از افراد موفق تلاش می‌کنند بخشی از کارهای روزمره خود را ثابت و روتین کنند تا انرژی ذهنی کمتری مصرف شود. برای نمونه، برنامه غذایی مشخص، ساعت خواب منظم یا تعیین زمان ثابت برای انجام برخی امور، فشار تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد.

سکوت، دارویی ساده برای مغز خسته

در دنیایی که ذهن انسان مدام در معرض صدا، تصویر، پیام و اخبار قرار دارد، سکوت به یک نیاز اساسی تبدیل شده است. کارشناسان توصیه می‌کنند افراد روزانه دست‌کم ۲۰ دقیقه سکوت کامل را بدون تلفن همراه، بدون شبکه اجتماعی و بدون محرک‌های بیرونی - تجربه کنند. این سکوت به مغز فرصت می‌دهد بخشی از انرژی مصرف‌شده را بازیابی کند. حتی چند دقیقه تنفس آرام، پیاده‌روی بدون گوشی یا نشستن در محیطی آرام می‌تواند فشار ذهنی را کاهش دهد. بسیاری از مردم تصور می‌کنند استراحت یعنی استفاده بیشتر از تلفن همراه یا تماشای مداوم محتوا، در حالی که مغز در این شرایط همچنان مشغول پردازش اطلاعات است و فرصت ترمیم پیدا نمی‌کند.

همه تصمیم‌ها را خودتان نگیرید

یکی از اشتباهات رایج، تلاش برای کنترل و مدیریت همه امور است. برخی افراد تصور می‌کنند باید درباره تمام مسائل خانه، کار و زندگی شخصاً تصمیم بگیرند، در حالی که این رفتار به مرور ذهن را فرسوده می‌کند. سپردن تصمیم‌های غیرحیاتی به دیگران، نه تنها نشانه ضعف نیست، بلکه نوعی مراقبت از سلامت روان محسوب می‌شود. تقسیم مسئولیت میان اعضای خانواده، مشارکت دادن فرزندان در انتخاب‌های ساده و اعتماد به اطرافیان، می‌تواند فشار ذهنی را کاهش دهد و روابط خانوادگی را نیز تقویت کند.

مراقبت از ذهن، ضرورتی برای زندگی امروز

در گذشته خستگی بیشتر به معنای فرسودگی جسمی بود، اما زندگی مدرن شکل تازه‌ای از خستگی را ایجاد کرده است؛ خستگی‌ای که در ذهن رخ می‌دهد و گاهی خطرناک‌تر از خستگی جسمی است. آشنایی که ذهن خسته‌ای دارد، ممکن است نتواند درست تصمیم بگیرد. روابط سالمی داشته باشد یا حتی از زندگی روزمره لذت ببرد. شناخت نشانه‌های خستگی تصمیم و ایجاد فرصت برای استراحت ذهنی، امروز دیگر یک انتخاب لوکس نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ آرامش فردی و خانوادگی است. شاید گاهی بهترین تصمیم، این باشد که برای مدتی کوتاه، هیچ تصمیمی نگیریم و اجازه دهیم ذهن مان نفس بکشد.



به سوالات متعدد دارد. به همین دلیل، پرسش‌های پشت سر هم درباره هزینه‌ها، برنامه‌ها یا مشکلات مختلف ممکن است واکنش‌های تند و غیرمنتظره ایجاد کند؛ واکنش‌هایی که الزاماً از بی‌احترامی یا بی‌علاقگی ناشی نمی‌شود، بلکه حاصل خستگی شدید مغز است. کارشناسان توصیه می‌کنند خانواده‌ها به زمان استراحت ذهنی یکدیگر احترام بگذارند و گفت‌وگوهای مهم را به زمانی موکول کنند که افراد آرامش و تمرکز بیشتری دارند.

شبکه‌های اجتماعی چگونه مغز را خسته‌تر می‌کنند؟

امروزه تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین عوامل فرسودگی ذهنی تبدیل شده‌اند. هر بار که فرد میان ده‌ها خبر، ویدیو، پیام یا نظر مختلف جابه‌جا می‌شود، مغز ناچار به تصمیم‌گیری‌های سریع و پی‌درپی است. حتی انتخاب اینکه کدام محتوا را ببینیم یا به چه پیامی پاسخ دهیم، بخشی از انرژی شناختی را مصرف می‌کند. انبوه اطلاعات، اخبار نگران‌کننده و مقایسه مداوم زندگی خود با دیگران نیز فشار روانی را تشدید می‌کند و اجازه نمی‌دهد ذهن وارد مرحله استراحت واقعی شود. به همین دلیل بسیاری از افراد با وجود ساعت‌ها استراحت ظاهری، همچنان احساس خستگی ذهنی و آشفتگی دارند.

چگونه می‌توان مغز را از فرسودگی نجات داد؟

متخصصان سلامت روان معتقدند مدیریت انرژی ذهنی، به اندازه مدیریت زمان اهمیت دارد. یکی از موثرترین راهکارها، محدود کردن تعداد انتخاب‌هاست. وقتی فرد برای هر موضوع ده‌ها گزینه پیش روی خود قرار می‌دهد، مغز تحت

نشانه‌های هشداردهنده فرسودگی تصمیم

یکی از مهم‌ترین مشکلات این وضعیت، ناشناخته بودن آن برای عموم مردم است. بسیاری از افراد تصور می‌کنند صرفاً «اخلاقشان تند شده» یا «حوصله ندارند»، در حالی که مغز آنها عملاً خسته شده است. از مهم‌ترین نشانه‌های هشداردهنده می‌توان به تصمیم‌های عجولانه برای خلاص شدن از فشار اشاره کرد. فرد ممکن است بدون بررسی کافی، فقط برای پایان یافتن استرس، سریع تصمیم بگیرد، حتی اگر آن تصمیم به ضررش باشد. بی‌حوصلگی و عقب‌انداختن کارهای مهم نیز یکی دیگر از علائم رایج است. در این وضعیت، مغز ترجیح می‌دهد از هر تصمیم تازه‌ای فرار کند. به همین دلیل فرد دچار ضروری را مدام به تعویق می‌اندازد. برخی افراد نیز دچار «فلج تحلیلی» می‌شوند، یعنی حتی در انتخاب‌های ساده مانند خرید یک وسیله یا پاسخ دادن به یک درخواست معمولی، احساس درماندگی می‌کنند و نمی‌توانند تصمیم بگیرند. تندخویی و خشم ناگهانی نیز از دیگر پیامدهای خستگی ذهنی است. مغزی که ساعت‌ها زیر فشار بوده، تحمل سوالات یا درخواست‌های جدید را از دست می‌دهد و واکنش‌های عصبی نشان می‌دهد.

چرا شب‌ها اختلاف‌های خانوادگی بیشتر می‌شود؟

روانشناسان معتقدند بخش زیادی از تنش‌های خانوادگی در ساعات پایانی شب رخ می‌دهد؛ زمانی که مغز افراد، به‌ویژه سرپرستان خانواده، بیشترین میزان خستگی شناختی را تجربه می‌کند. فردی که از صبح درگیر کار، نگرانی مالی، اخبار ترافیک و تصمیم‌های مختلف بوده، در پایان روز ظرفیت ذهنی بسیار کمتری برای پاسخگویی

آشنایی با علائم فرسودگی ذهنی و تکنیک‌های مقابله با آن آیا ذهن شما هم در پایان روز احساس می‌کند «خالی» شده است؟ شاید دیگر نتوانید روی یک تصمیم ساده تمرکز کنید یا مدام احساس کلافگی دارید. این نشانه‌های «خستگی تصمیم» است؛ پدیده‌ای که در دنیای پرشتاب امروز، بسیاری از ما را درگیر کرده است. بیایید با هم علائم این فرسودگی ذهنی را بشناسیم و راه‌هایی برای بازیابی آرامش و تمرکز بیابیم. به گزارش ایرنا زندگی، در روزهایی که نگرانی‌های اقتصادی، دغدغه‌های امنیتی، مشکلات معیشتی، فشار کاری و اخبار پی‌درپی ذهن افراد را درگیر می‌کند، بسیاری از مردم بدون آنکه متوجه باشند دچار نوعی «فرسودگی ذهنی ناشی از تصمیم‌گیری» می‌شوند، وضعیتی که روانشناسان آن را «خستگی تصمیم» می‌نامند. در این حالت، مغز انسان پس از ساعت‌ها انتخاب و ارزیابی، توان تحلیل خود را به تدریج از دست می‌دهد و فرد یا تصمیم‌های عجولانه می‌گیرد یا به طور کامل از تصمیم‌گیری فرار می‌کند. این فرسودگی معمولاً آرام و بی‌صدا و بدون تب و درد جسمی و بدون نشانه‌های آشکار شکل می‌گیرد اما می‌تواند کیفیت زندگی، روابط خانوادگی و حتی سلامت روان را تحت تأثیر قرار دهد.

مغز انسان ظرفیت محدودی برای تصمیم‌گیری دارد

برخلاف تصور عمومی، مغز انسان منبعی بی‌پایان برای تحلیل و انتخاب نیست. هر تصمیم، حتی انتخاب‌های ساده روزانه مانند خرید، پاسخ دادن به پیام‌ها، برنامه‌ریزی مالی یا تصمیم درباره آینده فرزندان، بخشی از انرژی ذهنی را مصرف می‌کند. متخصصان علوم شناختی معتقدند زمانی که فرد در معرض فشار مداوم قرار می‌گیرد، مغز برای صرفه‌جویی در انرژی به سمت تصمیم‌های سریع، احساسی یا غیرمنطقی حرکت می‌کند. به همین دلیل است که افراد خسته ذهنی بیشتر از قبل دچار اشتباه، عصبانیت یا بی‌حوصلگی می‌شوند. در شرایط بحرانی یا ناپایدار، این فشار چند برابر می‌شود، زیرا فرد ناچار است مدام درباره مسائل مختلف - از امنیت شغلی و هزینه‌های زندگی گرفته تا سلامت خانواده، آینده تحصیلی فرزندان و اخبار نگران‌کننده - فکر کند.

تصمیم‌های کوچک، خستگی‌های بزرگ

بسیاری تصور می‌کنند فقط تصمیم‌های مهم باعث خستگی ذهنی می‌شود، در حالی که انبوه انتخاب‌های کوچک روزانه نیز فشار زیادی به مغز وارد می‌کند. اینکه امروز چه غذایی تهیه شود، قبض‌ها چگونه پرداخت شود، به کدام خبر اعتماد کنیم، چه چیزی بخریم، چه پیامی را پاسخ دهیم یا حتی چه لباسی بپوشیم، همگی بخشی از انرژی شناختی انسان را مصرف می‌کنند. وقتی این انتخاب‌ها بدون استراحت ادامه پیدا کند، مغز وارد مرحله فرسودگی می‌شود، مرحله‌ای که در آن کیفیت تصمیم‌گیری به طور محسوس افت می‌کند.

سد تا پایان سال آغاز شود. ضیایی همچنین از سد رامیان به‌عنوان یکی دیگر از طرح‌های مهم آبی استان یاد کرد و گفت: مطالعات تکمیلی این پروژه در حال انجام است و در صورت تکمیل آن تا پایان سال، امکان آغاز عملیات اجرایی در سال آینده وجود دارد. وی با بیان اینکه این سد‌ها عمدتاً با هدف تأمین آب و کاهش فشار بر منابع زیرزمینی طراحی شده‌اند، افزود: با بهره‌برداری از سد‌های نرمام و رامیان، حدود ۱۸۰ میلیون مترمکعب نیاز آبی استان در حوزه شرب مدیریت خواهد شد و برداشت از منابع زیرزمینی تا ۵۰ درصد کاهش می‌یابد. معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه‌ای گلستان تأکید کرد: توسعه سد‌های آب سطحی علاوه بر تأمین آب شرب و کشاورزی، نقش مهمی در تغذیه سفره‌های زیرزمینی و جلوگیری از فرونشست زمین در استان دارد. وی خاطرنشان کرد: بخشی از سد‌های استان هم‌اکنون در مدار بهره‌برداری قرار دارند و عمدتاً در بخش کشاورزی مورد استفاده هستند، اما با تکمیل پروژه‌های جدید، امکان تأمین پایدارتر آب شرب نیز فراهم خواهد شد.

سد نرمام گفت: این سد با پیشرفت فیزیکی حدود ۹۰ درصد در حال تکمیل است و بلنه آن به اتمام رسیده و قابلیت آبگیری نیز وجود دارد اما به دلیل عدم تکمیل برخی الزامات از جمله تملک اراضی و احداث تصفیه‌خانه، در حال حاضر صرفاً از ظرفیت کنترل سیلاب آن استفاده می‌شود. ضیایی افزود: برای تکمیل نهایی سد نرمام و بهره‌برداری از آن در حوزه آب شرب، حدود دو هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است و همچنین احداث تصفیه‌خانه‌ای با برآورد دو هزار میلیارد تومان باید در کنار آن اجرا شود. معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه‌ای گلستان همچنین به سد آقلکش اشاره کرد و گفت: این سد در پایین‌دست شهر آق‌قلا قرار دارد و نقش مهمی در کنترل سیلاب‌ها و جلوگیری از بروز خسارت‌های ناشی از طغیان آب در این منطقه ایفا می‌کند. وی ادامه داد: سد ۶۰ کلاه نیز در مرحله اجرایی قرار دارد و عملیات تملک اراضی آن آغاز شده است؛ تاکنون حدود ۳۰ هکتار از اراضی مخزن آن خریداری شده و در صورت تکمیل مطالعات، پیش‌بینی می‌شود عملیات اجرایی این

بهره‌برداری سد‌ها برداشت آب زیرزمینی را ۵۰ درصد کاهش می‌دهد

معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه‌ای گلستان گفت: با تکمیل سد‌های نرمام و رامیان، برداشت آب شرب استان از منابع زیرزمینی تا ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. به گزارش روابط عمومی، مهلی ضیایی در تشریح آخرین وضعیت طرح‌های سدسازی استان اظهار کرد: در حال حاضر چندین پروژه مهم سدسازی در استان در مراحل مختلف اجرا قرار دارد که هر یک نقش مهمی در مدیریت منابع آب و کنترل سیلاب‌ها ایفا می‌کنند. وی با اشاره به

گل مژه؛ از درمان‌های ساده تا خطاهای خطرناک

یکی از مهم‌ترین دلایل تکرار گل مژه، انتقال مداوم باکتری‌ها از طریق دست‌های آلوده به چشم است. افرادی که عادت به مالیدن چشم دارند، بیشتر در معرض این مشکل قرار دارند. **لوازم آرایشی آلوده یا قدیمی:**

محصولات آرایشی به‌مرور زمان محل تجمع باکتری‌ها می‌شوند. استفاده از این محصولات، به‌ویژه در ناحیه چشم، می‌تواند باعث عفونت‌های مکرر شود.

بیماری‌های زمینه‌ای:

برخی بیماری‌ها مانند بلفاریت (التهاب مزمن لبه پلک)، دیابت و روزاسه می‌توانند زمینه را برای ایجاد مکرر گل مژه فراهم کنند. در این موارد، کنترل بیماری زمینه‌ای نقش مهمی در پیشگیری دارد.

چه زمانی باید به پزشک مراجعه کرد؟

اگرچه بیشتر موارد گل مژه با مراقبت‌های خانگی بهبود می‌یابند، اما در برخی شرایط مراجعه به پزشک ضروری است. عدم بهبود پس از چند روز؛ اگر پس از ۲ تا ۳ روز مراقبت مناسب، بهبودی حاصل نشود یا وضعیت بدتر شود، لازم است توسط پزشک بررسی شود. بروز علائم شدیدتری دیر، درد شدید، تورم گسترده پلک یا صورت، و ترشحات غیرعادی از جمله نشانه‌هایی هستند که نیاز به ارزیابی تخصصی دارند. نشانه‌های عفونت گسترده؛ در صورت مشاهده تب، خونریزی یا گسترش التهاب به نواحی اطراف چشم، باید فوراً به پزشک مراجعه کرد.

مراقبت ساده، پیشگیری مؤثر

گل مژه اگرچه یک عارضه شایع و معمولاً بی‌خطر است، اما می‌تواند باعث ناراحتی و اختلال در فعالیت‌های روزمره شود. رعایت اصول ساده‌ای مانند استفاده از کمپرس گرم، حفظ بهداشت چشم و پرهیز از دستکاری ضایعه، نقش مهمی در بهبود سریع آن دارد. در مقابل، رفتارهای نادرست مانند فشار دادن گل مژه یا مصرف خودسرانه دارو می‌تواند عوارض جدی به دنبال داشته باشد. در نهایت، توجه به علائم هشدار و مراجعه به‌موقع به پزشک، به‌ویژه در موارد شدید یا مکرر، می‌تواند از بروز مشکلات جدی‌تر جلوگیری کند. حفظ بهداشت فردی و اصلاح عادات روزمره، کلید اصلی پیشگیری از این مشکل ساده اما آزاردهنده است.



چرک باید به‌صورت طبیعی و بدون دخالت انجام شود. **از لمس مداوم چشم خودداری کنید:**

دست زدن مکرر به چشم، به‌ویژه به دست‌های آلوده، می‌تواند باکتری‌ها را به ناحیه منتقل کرده و عفونت را تشدید کند. شست‌وشوی مرتب دست‌ها و پرهیز از تماس غیرضروری با چشم اهمیت زیادی دارد.

وسایل شخصی را به اشتراک نگذارید:

حوله، روبالشی و لوازم آرایشی از جمله وسایلی هستند که می‌توانند آلودگی را منتقل کنند. استفاده مشترک از این وسایل خطر انتقال عفونت را افزایش می‌دهد.

از مصرف خودسرانه دارو پرهیزید

استفاده خودسرانه از آنتی‌بیوتیک‌های موضعی یا خوراکی نه تنها ممکن است بی‌اثر باشد، بلکه می‌تواند منجر به مقاومت دارویی شود. مصرف هرگونه دارو باید با تجویز پزشک انجام شود.

چرا گل مژه تکرار می‌شود؟

در برخی افراد، گل مژه به‌صورت مکرر ظاهر می‌شود که این موضوع می‌تواند نشانه وجود عوامل زمینه‌ای یا عادات نادرست باشد.

بهداشت نامناسب دست‌ها و چشم‌ها:

می‌تواند به حذف چربی‌ها، آلودگی‌ها و باکتری‌ها کمک کند. این کار باید با دقت و بدون فشار انجام شود تا به چشم آسیبی وارد نشود. استفاده از گاز استریل یا پنبه تمیز برای این کار توصیه می‌شود. **توقف موقت آرایش و لنز تماسی:**

در زمان ابتلا به گل مژه، بهتر است از هرگونه لوازم آرایشی چشم مانند ریمل و خط چشم خودداری شود، زیرا این مواد می‌توانند منبع آلودگی باشند. همچنین استفاده از لنز تماسی باید موقتاً قطع شده و به‌جای آن از عینک استفاده شود تا تحریک چشم کاهش یابد.

استفاده از چای کیسه‌ای گرم:

چای کیسه‌ای گرم (به‌ویژه چای سیاه) به‌دلیل داشتن ترکیبات ضدالتهابی می‌تواند به کاهش تورم و تسکین درد کمک کند. پس از خیس کردن چای کیسه‌ای در آب گرم، آن را کمی خنک کرده و به آرامی روی پلک قرار دهید. اشتباهاتی که روند درمان را مختل می‌کنند:

هرگز گل مژه را فشار ندهید:

فشار دادن یا ترکاندن گل مژه یکی از خطرناک‌ترین اشتباهات است. این کار می‌تواند باعث پخش عفونت به بافت‌های اطراف شده و حتی عوارض جدی‌تری ایجاد کند. تخلیه

تورم کوچک اما دردناک روی پلک، همان گل مژه‌ای است که بسیاری آن را بی‌اهمیت می‌دانند. در حالی که همین عارضه ساده، اگر به‌درستی مراقبت نشود، می‌تواند طولانی‌تر شده یا حتی عود کند. به گزارش ایرنا زندگی، گل مژه یکی از شایع‌ترین مشکلات چشمی است که اغلب به‌صورت یک برجستگی کوچک، دردناک و قرمز روی لبه پلک ظاهر می‌شود. این عارضه معمولاً ناشی از عفونت باکتریایی در غدد چربی پلک است و در بسیاری از موارد با مراقبت‌های ساده خانگی بهبود می‌یابد. با این حال، رعایت برخی اصول ضروری و پرهیز از رفتارهای اشتباه می‌تواند روند درمان را تسریع کرده و از عود مجدد آن جلوگیری کند. در این گزارش، به‌صورت جامع و قابل‌فهم، بایدها و نبایدهای درمان گل مژه، علل تکرار آن و زمان مراجعه به پزشک بررسی می‌شود.

گل مژه چیست و چرا ایجاد می‌شود؟

گل مژه یا «هوردئولوم» (Hordeolum) یک عفونت موضعی در پلک است که اغلب به‌دلیل ورود باکتری‌هایی مانند استافیلوکوک به غدد چربی یا فولیکول‌های مژه ایجاد می‌شود. این عفونت باعث تجمع چرک و التهاب شده و به‌صورت یک توده کوچک و حساس بروز می‌کند. عوامل مختلفی می‌توانند احتمال بروز گل مژه را افزایش دهند؛ از جمله تماس دست آلوده با چشم، استفاده از لوازم آرایشی آلوده یا تاریخ‌گذشته، رعایت نکردن بهداشت لنزهای تماسی و برخی بیماری‌های زمینه‌ای مانند التهاب مزمن پلک (بلفاریت) یا دیابت.

راهکارهای مؤثر برای درمان سریع تر

کمپرس گرم، مهم‌ترین اقدام درمانی:

استفاده از کمپرس گرم (نه داغ) یکی از مؤثرترین روش‌های درمانی است. گرما باعث افزایش جریان خون در ناحیه، کاهش التهاب و تسریع تخلیه طبیعی چرک می‌شود. توصیه می‌شود روزانه ۳ تا ۵ بار، هر بار به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه از یک پارچه تمیز و گرم روی پلک بسته استفاده شود. مهم است که دمای کمپرس ملایم باشد تا از سوختگی پوست حساس پلک جلوگیری شود. **پاکسازی ملایم لبه پلک:**

شست‌وشوی آرام لبه پلک با شامپو بچه رقیق‌شده

باشد. وی با تأکید بر ضرورت جذب سرمایه‌گذاری در استان خاطرنشان کرد: گلستان از ظرفیت‌های فراوانی در حوزه گردشگری و زیرساخت‌های توسعه‌ای برخوردار است و مدیران استان آماده حمایت همه‌جانبه از سرمایه‌گذاران برای اجرای طرح‌های بزرگ و اشتغال‌آفرین هستند. استاندار گلستان همچنین به برنامه‌های توسعه‌ای شهرستان علی‌آبادکتول اشاره کرد و گفت: اجرای پروژه‌هایی همچون تله‌کابین و سایر طرح‌های گردشگری می‌تواند زمینه رونق اقتصادی و افزایش جذب گردشگر در این منطقه را فراهم کند. طهماسبی با بیان اینکه توسعه گلستان نیازمند هم‌افزایی مدیران، نمایندگان، سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی است، افزود: همه ظرفیت‌های استان باید در مسیر جبران عقب‌ماندگی‌های توسعه‌ای و استفاده حداکثری از فرصت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. وی اظهار کرد: با وجود شرایط سخت ماه‌های اخیر، روند اجرای پروژه‌های عمرانی و زیرساختی در استان متوقف نشده و دولت با جدیت تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را دنبال می‌کند. استاندار گلستان ابراز امیدواری کرد با تکمیل پروژه‌های مهمی همچون سد کبودوال، زمینه رشد اقتصادی، توسعه گردشگری و ارتقای زیرساخت‌های استان بیش از پیش فراهم شود.

استاندار گلستان گفت: تکمیل سد کبودوال، زمینه توسعه گردشگری، آبی‌پروری و پرورش ماهیان خاویاری در علی‌آبادکتول را فراهم می‌کند. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی این طرح را یکی از مهم‌ترین پروژه‌های زیرساختی استان دانست و اظهار کرد: پروژه سد کبودوال و طرح‌های جانبی تعریف شده در کنار آن، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در منطقه خواهند داشت. وی با قدردانی از مجموعه آب منطقه‌ای، پیمانکاران و دست‌اندرکاران اجرای این پروژه افزود: سد کبودوال از جمله طرح‌های مهمی است که با حمایت منابع مالی صندوق توسعه اسلامی در حال اجرا بوده و روند پیشرفت آن رضایت‌بخش است. استاندار گلستان با اشاره به ظرفیت‌های جانبی این پروژه گفت: در کنار تکمیل سد، برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری، آبی‌پروری و پرورش ماهیان خاویاری نیز در دستور کار قرار دارد و با پایان فاز دوم پروژه، زمینه آغاز طرح‌های جدید در این حوزه‌ها فراهم خواهد شد. طهماسبی ادامه داد: پیمانکاران پروژه اعلام کرده‌اند عملیات اجرایی سد تا پایان شهریورماه به اتمام خواهد رسید که تحقق این وعده می‌تواند گام مهمی در بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی و گردشگری منطقه

سد کبودوال زمینه‌ساز توسعه گردشگری و آبی‌پروری در علی‌آبادکتول است